

## درس پنزدهم



کلمات هم معنی	
پادشاه	ملک = پادشاه
پاگرفت = استوار شد و رشد کرد	
ملک = قلمرو، سرزمین	افق = کرانه آسمان
مصیبت = گرفتاری	حصار = دیوار
غوطه = غرق شدن	تصور = اندیشه
عافیت = سلامتی	محنت = سختی، رنج
ویلون = یکی از سازهای موسیقی	درنهاد = آغاز کرد
غایت = نهایت، آخرین درجه	نیازموده = تجربه نشده، آنچه آزمایش نشده
خامش = مخفف خاموش	ملاطفت = مهربانی
تأمل کردن = فکر کردن	کاجستان = جایی که پر از درخت کاج باشد

کلمات مخالف	
دوستی ≠ دشمنی	ضرر ≠ سود
نرمی ≠ زبری	آشنا ≠ غریبه
محنت ≠ آسانی	سالم ≠ بیمار

کلمات هم خانواده	
خطوط، خط، خطاط	ملاطفت، لطف
حصار، محاصره	عاقبت، متعاقب، تعقیب
تحمل، حمل	کرم، کریم